

طراحی الگوی نهادگرایی حفظ حقوق شهروندان سپرده‌گذار در بحران‌های بانکی کلان‌شهر تهران با استفاده از تحلیل مضمون

محمدجواد پوراسدی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

کاوه تیمورنژاد*

استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمدرضا ربیعی مندجین

استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۹۸/۰۲/۱۲ پذیرش: ۹۸/۰۹/۰۵

چکیده: حفظ حقوق سپرده‌گذاران، یکی از موضوعات مهمی است که کشورهای توسعه‌یافته و به خصوص کشورهای در حال توسعه، به آن توجه کرده‌اند. در ایران، بحران‌های مالی و پولی از گذشته تاکنون وجود داشته است. از این رو هدف این پژوهش، تبیین خط‌مشی‌گذاری حفظ حقوق شهروندان سپرده‌گذار در بحران‌های بانکی کلان‌شهر تهران است. روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل مضمون (تم) است. گردآوری داده‌ها و اطلاعات، طی مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ نفر از خبرگان حوزه بانکی و خط‌مشی‌گذاران قوه مقننه در شهر تهران انجام شده است. نتایج نشان می‌دهند در خط‌مشی‌گذاری حفظ حقوق شهروندان سپرده‌گذار در بحران‌های بانکی کلان‌شهر تهران، تقویت مکانیزم حمایتی سپرده‌گذاران به عنوان راهبرد اصلی، اصلاح یا بهبود قوانین مرتبط با سپرده‌گذاران به عنوان عامل زمینه‌ساز شرایط اجرا و تقویت فرآیندهای نظارتی هدفمند، هم‌سوسازی کنش‌های سیاسی، اقتصادی، اداری و شبکه بازیگران، طراحی مجاری ارتباطی بخشی و فرابخشی در بحران‌های مالی به عنوان عوامل مداخله‌گر، مورد توجه سیاست‌گذاران و خط‌مشی‌گذاران قرار گیرد. بنابراین به دلیل وسعت موضوع پژوهش و مصاحبه با برخی از خط‌مشی‌گذاران این حوزه، نتایج به‌دست آمده را می‌توان به کل جامعه پژوهش، تعمیم داد.

واژگان کلیدی: سپرده‌گذار، بحران، نظام بانکی، مکانیزم حمایتی، حقوق شهروندان، تحلیل مضمون، کلان‌شهر تهران

طبقه بندی E58, G21, C38, N25:JEL

۱- مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ملی شدن بانکها و با آغاز بانکداری اسلامی، نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران فراز و نشیب‌های متعددی را پشت سر گذاشته است. بررسی روند ورود و خروج سپرده‌های مردم در نظام بانکی نشان می‌دهد که بخشی از این فراز و نشیب‌ها، نتیجه سلب اعتماد آنها به سیستم بانکی بوده و مردم برای خارج کردن وجوه خود به بانک‌ها هجوم آوردند و نظام بانکی از توان برآورد خواسته‌های به حق سپرده‌گذاران عاجز ماند. از طرفی فقدان قانون جامعی که بتواند از سپرده‌گذاران در شرایط بحران، حمایت مؤثری داشته باشد، کاملاً دیده می‌شد و قانون‌گذاران و خط‌مشی‌گذاران بانکی در قسمت‌های مختلف قانون به منظور حمایت از سپرده‌های سپرده‌گذاران سکوت کرده‌اند. بنابراین به منظور تبیین مسأله در راستای حفظ حقوق سپرده‌گذاران با سه بازیگر اصلی روبه‌رو هستیم: دولت (به عنوان یک نهاد خط‌مشی‌گذار و حمایت‌گر)، بانک‌ها و سپرده‌گذاران.

دولت به دلیل نقشی که در اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی کشور و ارتباط تنگاتنگ آن با منافع عمومی دارد، بر نظام بانکی نظارت دارد و می‌تواند از طریق امکانات وسیعی که در اختیار دارد، نقش حامی حقوق سپرده‌گذاران را بر عهده داشته باشد. یکی از نقش‌های دولت، ایجاد نقش بیمه سپرده و وجود نهاد بیمه‌ای است که عملکردی پوششی در مدیریت عدم‌موفقیت بانکی دارد و راه‌اندازی چنین نهادی می‌تواند کمک بسیار مهمی، به سپرده‌گذاران و ذی‌نفعان، دولت و بانک‌ها هر کشوری نماید (Baudino et al., 2019).

به منظور ترسیم الگو، نیازمند بررسی ساختار نهادی دستگاه‌ها و سازمان‌های اثرگذار خواهیم بود. رهیافت نهادی، یکی از ستون‌های اساسی خط‌مشی‌گذاری از منظر مداخلات دولتی با رویکرد نهادی است. نهادگرایان عمدتاً به مسائلی همچون

تقسیم‌بندی نهادها، بررسی پیوندها و تعاملات بین نهادها، علل کارآمدی یا ناکارآمدی آنها، عوامل تحول و تغییر در آنها و ... می‌پردازند. برای نمونه در تحلیل نهادی مدل پیتر کنوپفل^۱، در کتاب خود با عنوان «تجزیه و تحلیل سیاست‌های عمومی»، سه عنصر بازیگر خط‌مشی، منابع خط‌مشی و قواعد نهادی خط‌مشی، تبیین شده است (امامی و باقری نصرآبادی، ۱۳۹۴) که این سه عنصر در پژوهش پیش‌رو موردتوجه بوده است. بنابراین در صورت شناسایی روابط حاکم می‌توان به الگویی دست یافت که در حالتی بهینه بتواند نظر تدوین‌کنندگان خط‌مشی، مجریان و ارزیان را تأمین نماید (استوکر و مارش، ۱۳۹۵).

از طرفی موضوع حفظ حقوق سپرده‌گذاران با توجه به بحران‌های پیش‌آمده مالی در ایران ضروری و اساسی است. همان‌طور که در ماده چهار قانون عملیات بانکی بدون ربا، به صراحت بیان شده است بانک‌ها مکلف به پرداخت اصل سپرده‌ها هستند و باید در زمان تعیین شده به محض مطالبه سپرده‌گذار آن را پرداخت کنند. از این رو ضروری است دستگاه‌های تدوین‌کننده خط‌مشی‌گذار، اجرایی و ناظر از سرمایه‌های سپرده‌گذاران، حمایت همه‌جانبه داشته باشند. در خط‌مشی‌گذاری در قانون چهارم و پنجم توسعه بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی با تشکیل صندوق ضمانت سپرده‌ها، حمایت همه‌جانبه دیده شده است (شیخانی، ۱۳۸۲) اما در حوزه اجرا کمبودهایی دارد که حمایت از سپرده‌گذاران را دچار نقصان کرده است؛ زیرا در بحران بانکی هنگامی که تعداد زیادی از سپرده‌گذاران، سپرده‌هایشان را در یک نهاد مالی، هم‌زمان برداشت می‌کنند، نهاد مالی یا توانایی پرداخت دیون خود را ندارد یا ممکن است نداشته باشد، بحران در صنعت بانکداری تشدید می‌شود. اگر این هجوم بانکی ادامه یابد، افراد بیشتری از سپرده‌هایشان برداشت می‌کنند؛ زیرا احتمال سوخت سرمایه افزایش می‌یابد؛ بنابراین برداشت‌های

1- Peter Knoepfel

بیشتری صورت می‌گیرد. این رویداد می‌تواند بانک‌ها را بی‌ثبات کند تا بدان حد که پول نقدش تمام شود و با ورشکستگی ناگهانی مواجه شود. بنابراین توجه به سه جنبه بیان شده (دولت به عنوان نهاد حمایت‌گر و قانون‌گذار، بانک‌ها و سپرده‌گذاران) در قالب یک مطالبه به حق توسط سپرده‌گذاران و ذی‌نفعان امری بدیهی است. بخش اعظم جامعه از خدمات مالی و اعتباری بانک‌ها و نظام بانکی استفاده می‌کنند و این امری گریزناپذیر است؛ از این رو ضروری است خط‌مشی‌گذار و حاکمیت به حوزه بانک و سپرده‌گذار توجه کنند.

پژوهش حاضر علاوه بر اینکه به دنبال مشخص کردن حفظ حقوق سپرده‌گذاران در نظام بانکی در بحران‌های بانکی از منظر خط‌مشی‌گذاری بر مبنای الگوی نهادی است، در پی شناسایی راهکارهایی جهت جلوگیری از تضییع حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های نظام بانکی خواهد بود. همچنین در این پژوهش با استفاده از تحلیل تم و طراحی الگوی مفهومی، ارکان نهادها، الزامات، مقررات و سازوکارهایی برای حفظ حقوق سپرده‌گذاران پیشنهاد شده و از روش تحلیل مضمون به منظور تبیین خط‌مشی‌گذاری حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی استفاده شده است.

۲- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

باودینو^۱ و همکارانش (۲۰۱۹)، در کتاب عدم‌موفقیت بانکی در مدیریت نقش پوششی بیمه سپرده‌ها، به موضوع طرح‌های بیمه سپرده و نقش مهمی که منجر به نارسایی در موفقیت آنها می‌شود، پرداختند. استفاده از منابع بیمه سپرده، در جهت پرداخت سپرده‌های بیمه شده در زمان بسته شدن بانک و ورشکستگی آنها برای سپرده‌گذاران، بسیار حائز اهمیت است. این امر باعث کاهش خطر برای سپرده‌گذاران که تصمیم به سپرده‌گذاری در سیستم بانکی دارند می‌شود

و نوعی تضمین در راستای حفاظت از سپرده‌هایشان بر اساس بیمه سپرده خواهد بود. اجرای طرح بیمه سپرده و تعیین بودجه به منظور دسترسی آن در زمان مورد نیاز برای حفظ حقوق سپرده‌گذاران به عنوان اقدامی جایگزین در راستای کمک به آنها و بانک دچار بحران است. پس از بحران مالی بزرگ ۲۰۰۹-۲۰۰۷ استفاده از منابع بیمه سپرده، در استانداردهای بین‌المللی مورد نظر بوده است. اصول اصلی انجمن بین‌المللی بیمه‌گذاران سپرده برای سیستم‌های تأمین مؤثر سپرده‌گذاری، مقرر کرده است که از منابع بیمه سپرده‌ها برای جایگزینی مؤسسات عضو برای پرداخت استفاده گردد تا در زمان بحران‌های بانکی، حمایت دوجانبه از بانک‌ها و سپرده‌گذاران صورت گیرد. در نهایت بیمه سپرده‌ها را به عنوان عنصر اساسی حمایت از سپرده‌گذاران و گزینه‌ای مهم به منظور سپر دفاعی برای بانک‌ها و سیستم بانکی تفسیر نموده است.

لاون^۲ (۲۰۱۶)، در مطالعه خود به این نتیجه یافت که رسیدگی نکردن به وضعیت بحران بانکی به طور مؤثر و سریع، باعث تحمیل هزینه‌های عظیم با محدود کردن جریان اعتبار به اقتصاد خواهد شد. وی با بررسی پیشنهادها برای تقویت مالی نتیجه می‌گیرد که ثبات در یک سیستم مالی به طور فزاینده یکپارچه، شامل تنظیم مقررات بانکی، تمرکز بر روی چرخه و ریسک سیستماتیک و نه ریسک بانک‌ها و بهبود نظم و انضباط بازار با محدود کردن دولت و ایجاد بیمه سپرده‌ها به صورت صریح و ضمنی خواهد بود که در صورت حمایت دولت به منظور رفع مشکل سپرده‌گذاران و تدارک برنامه‌های و قوانین صریح و مدون التهاب‌های اقتصادی ناشی از بحران‌های بانکی، مرتفع خواهد شد.

بوروداچوا^۳ و همکارانش (۲۰۱۶)، به بررسی تأثیر بحران مالی جهانی بر سیستم بانکی روسیه پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد مشکل عملکرد مؤسسات بانکی

2- Laeven

3- Borodacheva

1- Baudino

در زمینه مواجهه آنها با بحران مالی جهانی بوده است. نتایج این تحقیق ثابت می‌کنند لازم است تدابیر ضدبحران تدوین شود تا به انتقال شفاف اقتصادهای منطقه از بحران کمک کند و برای تقویت حاکمیت پول ملی، به ادغام پولی و همچنین پایداری و ثبات عملکرد پولی و سیستم بانکی نیاز است؛ بنابراین با حادث شدن بحران‌های جهانی بانکی و اقتصادی به اقتصاد هر کشور، زیرساخت‌های مالی و پولی آن را دچار اختلال می‌نماید. در صورت بی‌توجهی به آن بانک‌ها و سپرده‌گذاران که به عنوان سرمایه‌گذاران حوزه‌های اقتصادی یک کشور هستند دچار آسیب و نقصان خواهند شد.

آنسل^۱ و همکارانش (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای به بررسی بحران نهادی و برنامه سیاست‌گذاری پرداختند و به این امر اشاره دارند که در مطالعات سیاست، بحران، نقش مهمی در تفسیر سیاست دارد. تغییر دادن بینش در ادبیات تنظیم دستور کار حاکی از آن است که بحران‌ها مسائل مرتبط را در دستور کار سیاسی قرار می‌دهند. این مسائل فرصتی را ایجاد می‌کنند؛ بنابراین بحران، یک متغیر مهم مستقل است اما گاهی اوقات، متغیر مستقل (بحران) پدیده‌ای است که باید توضیح داده شود. این اتفاق وقتی می‌افتد که شخصیت نهادی کل بخش سیاست‌گذاری را زیر سؤال می‌برد. ما از این شرایط به عنوان بحران‌های نهادی یاد می‌کنیم. بحران‌ها و معضلات گسترده آنها از طریق تمهیدات خاص و نهادی و با برنامه‌های چندگانه حل می‌شوند؛ بنابراین بحران‌ها و نحوه مواجهه با آنها در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... توجه ویژه و نگاه خاص سیاست‌گذار را در تمامی عرصه‌ها می‌طلبد.

ب) پژوهش‌های داخلی

امیری و توفیقی (۱۳۹۶) به بررسی رابطه بین بیمه سپرده بانکی و مقاومت بانکی در ایران با استفاده از داده‌های پانل طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۹۴ پرداختند. علاوه بر نرخ بیمه سپرده، متغیرهای نسبت مطالبات معوق به

کل تسهیلات، کفایت سرمایه، اندازه بانک، بازده دارایی، نرخ رشد اقتصادی، نرخ رشد پول و نرخ تورم نیز به عنوان متغیرهای توضیحی استفاده شده است. جهت دستیابی به این هدف، از بین بانک‌های خصوصی ۱۲ بانک انتخاب گردیده است. همچنین در این تحقیق برای بررسی رابطه بین بیمه سپرده با مقاومت بانکی، سپرده‌های پنج‌ساله به عنوان بلندمدت‌ترین سپرده‌های بانکی از نظر دوره سررسید انتخاب شده است. همچنین معیارهای مقاومت بانکی مورد استفاده شامل نسبت ماندگاری سپرده، نسبت دارایی نقد به کل سپرده‌ها، نسبت دارایی نقد به سپرده فرار و نسبت دارایی نقد به سپرده جاری می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که به طور متوسط بین بیمه سپرده و معیارهای مقاومت بانکی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ به طوری که اگر نرخ بیمه سپرده افزایش یابد، مقاومت بانکی کاهش خواهد یافت.

امین قاشقای (۱۳۹۷)، به بررسی ماهیت حقوقی صندوق ضمانت سپرده‌های بانکی پرداخته است. در این مطالعه علاوه بر معرفی سیستم بیمه سپرده به عنوان یکی از ابزارهای مدیریت ریسک نقدپذیری و مکانیسم اجرایی در کشور ایران با عنوان صندوق ضمانت سپرده‌ها به منظور اطمینان خاطر سپرده‌گذاران، نسبت به بازپرداخت وجوه ناشی از هجوم آنها به سیستم بانکی و در نهایت نجات بانک‌ها از ورشکستگی و جلوگیری از ریسک سیستماتیک، به بررسی ماهیت حقوقی سپرده‌های بانکی با شیوه توصیفی-تحلیلی و مقایسه عقود ضمانت و بیمه و رابطه صندوق و مؤسسات اعتباری پرداخته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن بودند که صندوق ضمانت سپرده‌ها منطبق بر عقود مذکور نبوده و یک نهاد مستقل، تحت عنوان پشتیبان بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی بوده است و برای بهبود عملکرد و بهره‌وری هر چه بهتر صندوق با توجه به منابع محدود آن و ضررهای جبران‌ناپذیر ورشکستگی مؤسسات، لازم است زمینه‌های وقوع بحران مؤسسات اعتباری به حداقل

رسانده شود و این مهم نیازمند اصلاح قوانین مربوطه، نظارت دقیق بانک مرکزی با حفظ استقلال آن و منحصر نکردن دامنه فعالیت صندوق به زمان از صدور حکم ورشکستگی می‌باشد.

علیلوی نیری (۱۳۹۷)، به بررسی مسئولیت بانک مرکزی در برابر سپرده‌گذاران مؤسسات مالی و اعتباری پرداخته است. این پژوهش در پی آن بوده است که در صورت ورشکستگی مؤسسات مالی و اعتباری، بانک مرکزی در قبال سپرده‌های موجود در این مؤسسات و صاحبان این سپرده‌ها چه وظایف و مسئولیت‌هایی را بر عهده دارد. پژوهش انجام شده با استفاده از روش تحقیق توصیفی-بنیادی و انتخاب نمونه از جوامع جغرافیایی متنوع و مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. نتایج به دست آمده بیانگر تأکید بر پیاده‌سازی مدیریت ریسک و نظارت مستمر مبتنی بر ریسک توسط بانک‌ها و بانک مرکزی بوده است و الزام توجه بانک مرکزی به تدوین قوانین جامع در قبال مسئولیت‌پذیری بیشتر در راستای حقوق سپرده‌گذاران توسط بانک‌ها و بانک مرکزی بوده است.

خدیجه شیروانی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی نظام حقوقی حاکم بر ورشکستگی بانک‌ها پرداخت. نتایج نشان دادند که بانک‌ها به دلیل نقش خاصی که در اقتصاد کلان کشور دارند و نیز به دلیل این که مجموعه منحصر به فردی از خدمات را به سطح عموم جامعه ارائه می‌دهند، توجه قانون‌گذاران را به خود جلب کرده‌اند. در حقوق ایران، نظام ورشکستگی بانک‌ها به طور کامل از نظام ورشکستگی شرکت‌ها جدا نیست و در صورتی که بانکی ورشکسته گردد، مقررات قانون تجارت در زمینه ورشکستگی مقررات عام محسوب می‌شوند و سایر مقررات پولی و بانکی خاص محسوب می‌شوند و در نتیجه در صورت سکوت مقررات خاص، مقررات عام قانون تجارت در زمینه ورشکستگی اعمال می‌گردند. با این حال، مسلم است که با توجه به اهمیت بانک‌ها در کشور، این مقررات برای ورشکستگی بانک‌ها به هیچ عنوان کافی نیست و باید همسو با سایر کشورهای

پیشرفته، نظامی خاص برای حل و فصل ورشکستگی بانک‌ها ارائه شود. نظامی که ۱- مفهوم توقف بانک با مفهوم توقف شرکت تجاری یکسان انگاشته نشود و پیش از این که بانک به معنی واقعی متوقف شود راه حلی برای آن پیش‌بینی شود. ۲- تا حد امکان نقش دادگاه کم‌رنگ‌تر شود؛ زیرا رسیدگی به ورشکستگی بانک‌ها، امری تخصصی و پیچیده است که نه طلبکارها قادر به زمان تشخیص توقف بانک هستند و نه دادگاه تخصص بر خورد با آن را دارد، علاوه بر این که روند قضایی‌محور، روندی بسیار طولانی است. ۳- بانک‌ها ملزم شوند گزارشی از وضعیت مالی خود همراه با برنامه‌ای برای زمان ورشکستگی ارائه دهند. ۴- تصفیه تنها راه حل رویارویی با بانک‌های ورشکسته نباشد که امری بسیار پرهزینه و زمان‌بر است و تهدیدی برای ثبات نظام مالی محسوب می‌شود.

۳- مبانی نظری

مسائل و مشکلات اقتصادی؛ همچون رشد فزاینده پول، افزایش تورم، کسری بودجه، افزایش نرخ خنثی مالیاتی و چرخه‌های تجاری؛ از جمله دلایل بنیادی بحران‌های مالی و در نهایت بحران‌های بانکی و اقتصادی هستند. مسائل روان‌شناسی مربوط به بازار مانند: اخبار یا شایعات حاکم بر جو بازار، عدم تقارن اطلاعاتی و پیروی در بازار، خطر اخلاقی در بازارهای به هم وابسته از جمله دلایل غیربنیادی بحران‌های مالی محسوب می‌شوند. بحران‌های مالی اغلب موجب رکود می‌شوند که این رکود بیش از رکودهای عادی بر مصرف، تولید، واردات، صادرات، اشتغال و سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. رکود ناشی از بحران معمولاً دارای اثرات کاهشی و زیان‌انباشته بیشتری نسبت به سایر رکودهاست. بحران‌های مالی در اقتصاد ناکارا باعث وجود بحران‌های بانکی خواهد شد. بحران مالی می‌تواند به شکل‌های مختلفی همچون بحران ارزی، بانکی، بدهی یا ترکیبی از آن اتفاق بیافتد (رحیمی باغی و همکاران، ۱۳۹۷). زمان‌بندی

بحران‌های بانکی و بدهی به طور معمول مبتنی بر تحلیل‌های کیفی و قضاوت ارزشی است. هجوم بانکی یکی از انواع بحران‌های مالی است که در سه دهه اخیر دامن‌گیر برخی از کشورها از جمله مکزیک، آرژانتین و کشورهای آسیای جنوب شرقی آمریکا و ... شده است (Claessens & Kose, 2013)؛ بنابراین هیچ کشوری نمی‌تواند از این واقعه مصون بماند. حتی در ایران نیز شرایط بحران بانکی وجود دارد اما به دلیل حمایت‌های مالی بانک مرکزی و دولتی بودن اغلب بانک‌ها، این بحران به طور محسوس، عیان نشده است (زارعی و کمیجانی، ۱۳۹۴).

در حالت کلی، بحران مالی، فروپاشی بازارهای مالی است؛ شرایطی که در آن مشکلات انتخاب معکوس و مخاطرات فراوانی وجود دارد و بازارهای مالی قادر نیستند وجوه را به کسانی انتقال دهند که دارای فرصت‌های بهره‌ورتر سرمایه‌گذاری هستند. بنابراین بحران مالی، نتیجه ناتوانی بازارهای مالی برای عملکرد کاراست که به انقباض شدید در فعالیت اقتصادی منجر می‌شود. یکی از انواع بحران مالی است که در آن بانک با هجوم ناگهانی سپرده‌گذاران برای برداشت سپرده‌هایشان مواجه می‌شوند که به این پدیده هجوم بانکی می‌گویند. از آنجا که بانک‌ها اغلب سپرده‌های نقدی خود را به صورت وام‌های بلندمدت پرداخت می‌کنند، در صورت مواجه شدن با هجوم بانکی، از یک سو، با هجوم سپرده‌گذاران برای خروج سپرده‌ها روبه‌رو می‌شوند و از سوی دیگر، با حجم بالای مطالبات معوق و دارایی‌های با درجه نقدشوندگی پایین مواجه می‌شوند که این وضعیت، بانک‌ها را با ورشکستگی مواجه می‌کند (ابونوری و همکاران، ۱۳۹۷). در چنین شرایطی، بانک‌ها دچار ریسک نقدینگی می‌گردند. ریسک نقدینگی عبارت است از: ناتوانایی بانک جهت پاسخگویی به تعهدات خود در مقابل سپرده‌گذاران، بستانکاران و سایر سپرده‌گذاران به منظور کاهش بدهی‌ها و افزایش منابع مالی (محرابی، ۱۳۹۳).

در این شرایط اگر سپرده‌های بانکی افراد بیمه نشده باشد، تعدادی از سپرده‌گذاران، پس‌انداز خود را از دست خواهند داد. به مجموعه شرایط یادشده، بحران بانکی می‌گویند. هرگاه چنین وضعیتی از یک بانک به بانک‌های دیگر سرایت کند در اصطلاح بحران سیستماتیک یا وحشت بانکی^۱ نامیده می‌شود. صندوق بین‌المللی پول، بحران بانکی را به عنوان وضعیتی تعریف کرده که در آن، هجوم بانکی و ورشکستگی بانک‌ها گسترش یافته و بانک‌ها قادر به پرداخت دیون خود نیستند یا وضعیتی که در آن مداخله دولت در نظام بانکی در مقیاس وسیع صورت گیرد. مطالعات تجربی صورت گرفته برای شناسایی بحران‌های بانکی، به مشاهدات وقایع قطعی مانند بسته شدن، ادغام و فروش بانک‌ها به نهادهای مالی دیگر یا دولت، اتکا می‌کنند (نادعلی، ۱۳۹۲).

از منظر حقوق سپرده‌گذاران در ایران امروزه با گسترش بانک‌های خصوصی، دیگر حمایت دولت نمی‌تواند کفاف پاسخ‌گویی به سپرده‌گذاران را دهد به ویژه اینکه برای رونق این قسم از بانک‌ها و امکان رقابت آنها با بانک دولتی از طریق جذب منابع بیشتر، نیازمند جلب اعتماد عموم سپرده‌گذاران نسبت به بازپرداخت وجوه خود در مواقع بحران هستیم که این مهم از طریق ابزار مدیریت ریسک به نام سیستم بیمه سپرده صورت می‌گیرد. این سیستم با ایجاد اطمینان در آرامش سپرده‌گذاران، مانع هجوم بانکی شده و همچنین با نظارت بر فعالیت‌های مؤسسه اعتباری، ریسک فعالیت آنها را کنترل می‌کند و به این ترتیب ثبات بخش مالی کشور را فراهم و حتی در صورت بروز بحران با وجود منابع کافی و تسریع روند بازپرداخت سپرده‌ها، به خوبی منافع سپرده‌گذاران را تضمین می‌نماید اما کارکرد ناصحیح این سیستم می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری را به سپرده‌گذاران و سپرده‌گذاران بانکی وارد کند (میرمعزی، ۱۳۸۴). بنابراین تعریفی که می‌توان در

خصوص حقوق سپرده‌گذاران بر مبنای ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) ارائه کرد عبارت است از: دریافت خدمات سپرده‌ای سنتی و الکترونیک و مطالبه سپرده در هر زمان و بازپرداخت وجوه مبنی بر تعهد یا بیمه توسط بانک‌ها در زمان مراجعه و همچنین ارائه خدمات تسهیلات به آنها به منظور کسب منافع بانک و سپرده‌گذاران و نیز سرمایه‌گذاری وجوه آنها به عنوان وکیل به منظور کسب درآمد و تقسیم مال حاصله بین بانک و سپرده‌گذاران و اتخاذ روش‌های تشویقی به منظور جذب سپرده‌های سپرده‌گذاران (قانون عملیات بانکی بدون ربا، ۱۳۶۲). در حال حاضر تنها نهاد حمایتی از حقوق سپرده‌گذاران در ایران، صندوق ضمانت سپرده است که طی بررسی‌های به عمل آمده، قوانین حمایتی در اساسنامه صندوق در بخش‌های حقوقی سکوت کرده است. همین امر باعث شده است در قالب نهاد حمایتی نتواند نقش خود را به خوبی ایفا نماید. از طرفی نیز استقلال نهاد مذکور، در ابهام بوده است؛ زیرا علی‌رغم ساختاری مستقل، تمامی خط‌مشی‌های خود را در قالب فعالیت‌های اجرایی از بانک مرکزی دریافت می‌نماید (عسگری و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین نقش بیمه سپرده، به عنوان نقش حمایتی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. بیمه سپرده، باعث افزایش امنیت و ثبات نظام مالی در یک کشور می‌گردد. اگرچه هدف نظام بیمه سپرده‌ها از کشوری به کشور دیگر متفاوت است اما در بیشتر موارد، منظور اصلی از طراحی چنین نظامی، حمایت از سپرده‌گذارانی است که از نظر مالی ضعیف هستند و نیز حمایت نهادها و مؤسسه‌های مالی ضعیف‌تر است. بیمه‌های سپرده، ابزاری است که سیاست‌گذاران در بسیاری از کشورهای جهان برای حمایت محدود یا کامل سپرده‌گذاران در مقابل بحران‌های مالی طراحی کرده‌اند. هر بحران مالی می‌تواند آثار بسیار عمیق‌تر و فزاینده از صنعت داشته باشد (باقری و همکاران، ۱۳۹۷). مکانیسم بیمه سپرده، سبب افزایش اعتماد به نفس در میان مردم و کاهش احتمال وحشت در مورد ایمنی سپرده‌های

بانکی در بین سپرده‌گذاران می‌گردد. بنابراین بیمه سپرده می‌تواند به حفظ یک اقتصاد پایدار از طریق جلوگیری از ورشکستگی بانکی و سرایت به کل سیستم مالی و اقتصادی کمک کند (Girra et al., 2016). کشورهایی که پوشش بیمه سپرده را گسترش دادند یک شبکه امن مالی بزرگ ایجاد کردند و اعتماد را به سیستم مالی برگرداندند. تنها چند کشور به وعده خود در مورد بیمه سپرده (مثل ایسلند) یا زیان قابل توجه به سپرده‌گذاران بیمه (مثل قبرس) عمل نکردند و شکست خوردند. در صورتی که بیمه سپرده و تضمین دولت در دارایی‌ها و بدهی بانک‌ها، همراه باشد، تا حد زیادی بیمه سپرده مؤثر است. اما با این حال، نگرانی در مورد خطر اخلاقی، عدالت توزیعی و توانایی پرداخت به ویژه در کشورهایی که سیستم مالی بزرگ به نسبت اقتصاد خود دارند، وجود دارد (Demirgüç-Kunt et al., 2015).

بیمه سپرده، اقدامی است که در بسیاری از کشورها برای حمایت از سپرده‌گذاران بانکی، به طور کامل یا جزئی، از ضررهای ناشی از عدم توانایی بانک در پرداخت بدهی در موعد مقرر، اجرا شده است. از طرف دیگر، بحث‌های زیادی در رابطه با مجاز بودن آن از دیدگاه قانون و دین صورت گرفته است. بسیاری از کشورهای جهان، سیستم بیمه سپرده را در سیستم متعارف خود اجرا می‌کنند که بیشتر با عناصر خاصی که توسط دین و قانون مجاز نیستند همراه هستند. طبق مقررات، دولت تلاش برای ایجاد سیستم بیمه سپرده‌گذاری اسلامی مطابق با مفهوم اسلامی که حمایت از سپرده‌گذاران و کاهش ریسک بانک‌ها و امنیت شرایط اقتصادی باید تأمین و حمایت نماید که در بیشتر کشورهای دارای سیستم بانکداری پیچیده وجود خواهد داشت. بیمه سپرده‌ها در دو قالب ضمنی و صریح وجود دارد. در بیمه سپرده ضمنی، سیستم سپرده ضمنی حمایت دولت از سپرده‌گذاران، مصلحتی می‌باشد. دولت این حمایت را انجام می‌دهد نه به این علت که آنها از لحاظ قانونی مجبور باشند بلکه به دلیل دست یافتن به

اهداف سیاسی خود می‌باشد. دولت، سپرده‌گذاران را به سه طریق تحت حمایت قرار می‌دهد: ۱- بستن بانک ورشکسته و پرداخت مستقیم به سپرده‌گذاران یا اینکه سپرده‌ها را به بانک دیگر محول می‌کند. ۲- حمایت مالی از بانک بحران‌زده و ادغام آن با بانک‌های دیگر، به منظور جلوگیری از ورشکستگی آن بانک ۳- توانمند نمودن بانک بحران‌زده که این کار یا از طریق مستقیم سرمایه به بانک صورت می‌گیرد یا اینکه دولت بخشی از تمام دارایی‌های معوقه (مطالبات معوق) بانک را به ارزش دفتری تصاحب می‌کند. از طرفی یک سیستم بیمه سپرده صریح^۱ در چارچوب قانون و مقررات ایجاد می‌شود. آیین‌نامه‌هایی برای عمل به این سیستم وجود دارد که در آن، نوع مؤسسه‌ها و سپرده‌هایی که مشمول بیمه هستند و نحوه عضویت در این سیستم، اجباری یا اختیاری بودن آن و مقدار حداکثر سپرده‌هایی که باید بیمه شوند و اینکه چطور سیستم بیمه سپرده تأمین وجه شود و ابزارهایی که بیمه‌گر در هنگام ورشکستگی بانک می‌تواند از آن استفاده کند، مشخص شده است. مقدار حمایتی که در یک سیستم بیمه سپرده صریح انجام می‌شود، بستگی به سقف پوشش بیمه سپرده تعیین شده در قوانین و مقررات دارد. کشورها می‌توانند بیمه سپرده علنی یا ضمنی داشته باشند. کشورهای معدودی برای برقراری نظامی که علنی یا ضمنی نباشد کوشیده‌اند اما به طور کلی تصور می‌شود کشورهایی که فاقد یک نظام علنی بیمه هستند، از نظام ضمنی برخوردار هستند. پدید آمدن نظام بیمه سپرده علنی، نشانه‌ای از حمایت دولتی از نظام بانکداری یک کشور است که نشانگر توجه به هزینه‌های بالقوه و گزاف در هجوم بانکی، تصفیه حساب با سپرده‌گذاران بانکی و تشخیص اهمیت شفافیت در اقدامات دولت است. در نبود بیمه سپرده علنی، هجوم‌های بانکی، خطری همیشگی محسوب می‌شوند؛ به این دلیل که بانک‌ها عموماً دارایی‌های غیرنقدی را سرمایه‌گذاری می‌کنند و

این موضوع دیون نقدی بسیاری را به دنبال دارد؛ زیرا آنها نمی‌توانند سریعاً تمامی سپرده‌های سپرده‌گذاران‌شان را به ارزش اسمی آنها بازگردانند. بدون بیمه سپرده، سپرده‌گذاران اطمینان ندارند که در صورت ورشکستگی چه بر سر سرمایه‌های آنها خواهد آمد. در کنار پیشبرد ثبات مالی و ایجاد اطمینان برای سپرده‌گذاران درباره چگونگی انتظارات، هنگامی که بانکی ورشکسته می‌شود، بیمه سپرده علنی مزایای مهم دیگری در مقایسه با نظام ضمنی دارد (باقری و همکاران، ۱۳۹۷). مطالعه تاریخی بانکداری ایران نشان می‌دهد، تاکنون نظام بیمه سپرده‌ها در ایران به صورت یک نظام رسمی و علنی وجود نداشته است اما می‌توان تجربه ملی شدن بانک‌های ایران در جریان انقلاب اسلامی را به نوعی جبران خسارت ناشی از ایجاد بحران در شبکه بانکی کشور دانست که دولت طی آن با ملی کردن بانک‌ها در عمل اقدام به بیمه کردن سپرده‌های نظام بانکی نموده است (فری و همکاران، ۱۳۸۸). بر اساس بند ط ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، وزارت اقتصاد و دارایی موظف شد که تا پایان این برنامه اقدامات لازم را برای راه‌اندازی بیمه سپرده‌ها به انجام برساند ولی از زمان تصویب تاکنون عملاً اقدامات جدی در این خصوص صورت نپذیرفته است و در قانون برنامه پنجم توسعه کشور مجدداً این بند تکرار شده است (شیخانی، ۱۳۸۲).

در ماده ۹۵ قانون برنامه پنجم در این موضوع تأکید شده است: به منظور تضمین بازپرداخت وجوه متعلق به سپرده‌گذاران بانک‌ها و سایر مؤسسه‌ها اعتباری در صورت ورشکستگی، به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود حداکثر تا پایان سال اول برنامه، نسبت به ایجاد صندوق ضمانت سپرده‌ها اقدام لازم انجام گردد. این قانون در سال ۱۳۸۹ تصویب و ابلاغ شد اما عملاً آغاز فعالیت صندوق، هم‌زمان با روی کار آمدن دولت یازدهم بود. آیین‌نامه صندوق، به دلیل

1- Explicit

برخی نواقص مورد بررسی مجدد قرار گرفت و در اواخر سال ۱۳۹۳ اصلاح و در فروردین ماه برای اجرای به شبکه بانکی ابلاغ شد. هیأت دولت تصویب کرد سقف تضمین برای هر سپرده‌گذار در هر یک از بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی در صندوق ضمانت سپرده‌ها برای سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ مبلغ یک میلیارد ریال تعیین می‌شود. این اقدام، جدی‌ترین گام در زمینه ایجاد نظام بیمه سپرده در ایران است، هر چند تا اجرای درست آن راه زیادی در پیش است و بانک‌ها، مؤسسه‌ها و نهادهای پولی و مالی در این زمینه همکاری لازم را به عمل نیاورده‌اند؛ زیرا اگر چنین بود شاهد هجوم مردم به بانک‌ها، مؤسسه‌ها یا تعاونی‌های اعتباری نبودیم و مردم با اطمینان از تضمین سپرده‌هایشان برای برداشت حساب‌هایشان به این مؤسسه‌های هجوم نمی‌بردند و باعث تشدید مشکلات نمی‌شدند.

پس از بررسی ساختار ضمانتی در راستای حفظ حقوق سپرده‌گذاران، توجه به ماهیت موضوع ساختار نهادی به منظور تعیین روابط حاکم، بسیار ضروری می‌باشد. ماهیت موضوع نهادهای تصمیم‌گیر در خصوص وضع قوانین، اجرا و ارزیابی، توجه عمیقی به مدل نهادگرایی از مدل‌های مهم خط‌مشی‌گذاری دارد. وجود سه عامل مهم، توجه به موضوع مذکور را به عنوان حلقه بسیار اثرگذار نشان می‌دهد: ۱- دولت به خط‌مشی‌ها مشروعیت می‌دهد. خط‌مشی‌های دولتی به عنوان الزامات قانونی که وفاداری شهروندان را هدایت می‌کند در نظر گرفته است. ۲- خط‌مشی‌های دولت شامل کلیت (فراگیری) هستند. تنها خط‌مشی‌های دولتی به همه آحاد جامعه، اشاعه می‌یابد و حال آن‌که خط‌مشی سایر گروه‌ها و سازمان‌ها تنها به عنوان بخشی از اجتماع در نظر گرفته می‌شوند. ۳- دولت اعمال اجبار در جامعه را در انحصار خود دارد؛ یعنی تنها دولت می‌تواند به طور مشروع، ناقضین خط‌مشی‌هایش را مجرم شناخته و به جزای لازم برساند. فرامینی که می‌توانند به وسیله سایر گروه‌ها یا سازمان‌ها بر جامعه تحمیل شوند بسیار محدود

هستند؛ بنابراین توانایی دولت است که وفاداری شهروندان را هدایت کند، برای اداره کل جامعه خط‌مشی‌هایی را تصویب کند و استفاده مشروع از زور و اجبار را در انحصار خود در آورد تا اشخاص و گروه‌ها را تشویق به تصویب ترجیحاتشان در خط‌مشی‌ها نماید. مطالعات نهادی معمولاً بدون پرسش سیستماتیک درباره تأثیر مشخصه‌های نهادی بر نتایج خط‌مشی، نهادهای خاص دولتی را (مثلاً ساختارهایشان، سازمان، وظایف و کارکردهایشان) تشریح می‌کند؛ ترتیبات قانون و مطابقت با قانون اساسی مثل هزارها دفتر و دستگاه‌های دولتی که در سطح مرکزی، استانی و محلی وجود دارد (گیوریان و ربیعی مندجین، ۱۳۹۴).

۴- روش تحقیق

این پژوهش دارای رویکرد کیفی است و از راهبرد پژوهشی نظریه تحلیل مضمون، به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد و ایده اصلی آن بر این اساس است که نظریه‌پردازی، از داده‌های در دسترس، ناشی نمی‌گردد بلکه بر اساس اطلاعات دریافتی از مشارکت‌کنندگان که فرایند را تجربه کرده‌اند، ایجاد یا مفهوم‌سازی می‌شود (رضایی پندری و آذر، ۱۳۹۷). در این راهبرد، افراد موجود در محیط مدنظر قرار می‌گیرند و احساسات آنها درک می‌شود؛ بنابراین در عمل، کارآمد است و پیچیدگی‌های بیشتری از فرایند را نشان می‌دهند. این روش برخلاف روش‌های قیاسی، مبتنی بر رویکرد استقرایی است؛ بنابراین نتایج آن با محیط مورد مطالعه هماهنگی بیشتری دارد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶). در این روش، پژوهش هرگز از یک نظریه آغاز نمی‌کند و بعد آن را به اثبات برساند بلکه پژوهش از یک دوره مطالعاتی شروع شده و فرصت داده می‌شود تا هرچه متناسب و مربوط به آن است، خود را نشان دهد. از آنجا که تحلیل مضمون روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تم‌ها) موجود درون داده‌ها است، در این روش حداقل داده‌ها را سازماندهی و در قالب جزئیات توصیف

می‌کند اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند (Braun & Clarke, 2006).

داده‌های این پژوهش بر اساس مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته، با ۱۸ نفر از خبرگان بانکی و خط‌مشی‌گذاری، گردآوری شده است. روش نمونه‌گیری، تصادفی غیراحتمالی با روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است که واحدهای نمونه، نه تنها اطلاعاتی در مورد خودشان، بلکه در مورد واحدهای دیگر جامعه نیز ارائه می‌کنند (Corbin & Strauss, 2014).

در این مطالعه روش گردآوری اطلاعات، روش مصاحبه عمیق بوده که از مصاحبه دوازده به بعد، اطلاعات دریافتی، تکرار شده است اما برای اطمینان با وجود تکراری بودن داده‌ها تا مصاحبه هجدهم ادامه یافت. در این رابطه مصاحبه‌شوندگان به مرور انتخاب شدند. به بیان دیگر، پس از تحلیل هر مصاحبه با مشخص شدن نقاط مبهم یا ضعف الگو و مقوله‌ها، نفر بعدی با توجه به تخصص مورد نیاز برای رفع و اصلاح نقاط ابهام یا ضعف، انتخاب شده است.

تحلیل تم روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تم‌ها) موجود درون داده‌ها است. در این روش حداقل داده‌ها را سازماندهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند اما می‌تواند از این فراتر رود و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند. این تحلیل شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند (Braun & Clarke, 2006). تحلیل مضمون (تم) شامل شش مرحله به شرح ذیل است:

مرحله اول: آشنایی با داده‌ها

در پژوهش کنونی، محقق قبل از اینکه کدگذاری داده‌ها را شروع نماید، یکبار کل داده‌های حاصل از

مصاحبه‌ها را خوانده است. در واقع از آغاز همین مرحله، یادداشت‌برداری و علامت‌گذاری معانی که در مراحل بعدی به آنها نیاز پیدا خواهد شد شروع شده است.

مرحله دوم: ایجاد کدهای اولیه

مرحله دوم زمانی شروع می‌شود که محقق، داده‌ها را خوانده و با آنها آشنایی پیدا کرده است. در این مرحله با استفاده از اطلاعات به دست آمده، کدگذاری اولیه به صورت ارکان اصلی و فرعی صورت پذیرفته است.

مرحله سوم: جستجوی تم‌ها

در پژوهش حاضر، پس از کدگذاری اولیه مصاحبه‌ها، دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب تم‌های اولیه انجام شده است. در پایان این مرحله در مجموع ۱۴ تم اصلی و ۳۹ تم فرعی به دست آمده است.

مرحله چهارم: بازبینی تم‌ها

در این پژوهش، پس از انجام مرحله بازبینی تم‌ها، از میان ۱۴ تم اصلی اولیه، به ۵ تم اصلی نهایی و ۲۳ تم فرعی، دست یافته شده است. داده‌های تم متفرقه نیز در میان سایر تم‌ها مورد استفاده قرار گرفته و در نهایت این تم نیز حذف گردید.

مرحله پنجم: تعریف و نام‌گذاری تم‌ها

بعد از شناسایی تم‌های اصلی و فرعی، مفاهیم مرتبط با هر تم اصلی و فرعی در هر بخش بررسی و هرکدام از آنها به تفکیک، بخش‌بندی می‌شوند.

مرحله ششم: تهیه گزارشی

این مرحله زمانی شروع می‌شود که محقق، مجموعه‌ای از تم‌های کاملاً آبدیده را در اختیار داشته باشد. این مرحله شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش است (Braun & Clarke, 2006). گزارش تهیه شده، در نتیجه‌گیری به منظور پاسخ به سؤالات پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۱- نقشه مضمون (تم)

گام نخست	آشنایی با داده‌ها
گام دوم	ایجاد کدهای اولیه
گام سوم	جستجوی تم‌ها
گام چهارم	بازبینی تم‌ها
گام پنجم	تعریف نام گذاری تم‌ها
گام ششم	تهیه گزارش

تحلیل تم، پژوهشگر به طور دائم به متون مصاحبه‌ها مراجعه و برخی از کدها را حذف یا کدهای جدیدی را اضافه نموده است. این روش رفت و برگشتی آن قدر ادامه یافت تا پژوهش به مرحله اشباع نظری رسید. مقوله‌های این پژوهش در شش دسته به منظور پاسخ به سؤالات در قسمت ذیل بیان شده است:

اهداف خط‌مشی‌ها

یکی از مهم‌ترین مراحل خط‌مشی‌گذاری، تعیین اهدافی است که خط‌مشی باید به آن دست یابد. پس از فهم و ادراک مسئله، باید مشخص شود که هدف از حل مسئله چیست و به عبارت دیگر، پس از اتخاذ خط‌مشی و اجرای آن، چه تغییراتی به وجود می‌آید (دانش‌فرد و رجایی، ۱۳۹۷). این اهداف، اهدافی هستند که از مجرای آنها حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی در ایران محقق می‌گردد؛ بنابراین ضمن تأکید بر هدف‌گذاری مناسب در خط‌مشی‌ها، در پژوهش به اهداف زیادی اشاره شده است که در سیاست‌گذاری برای حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی در ایران باید به آنها توجه داشت. با بررسی و دسته‌بندی الزاماتی در خصوص کدها و دسته‌های مفهومی شکل‌دهنده، مقوله هدف خط‌مشی‌گذاری در قالب هشت مفهوم اصلی تشکیل شده که در ذیل ارائه شده است.

بنابراین الگوی نهادگرایی حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی در ایران با استفاده از نظریه مضمون (تم)، به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

(۱) اهداف خط‌مشی‌های شناسایی شده مرتبط با حفظ حقوق سپرده‌گذاران ناشی از بحران‌های نظام بانکی در ایران کدام‌اند؟

(۲) نهادها، سازمان‌ها و دستگاه‌های متولی و به‌طور کلی بازیگران حفظ حقوق سپرده‌گذاران ناشی از بحران‌های نظام بانکی که اثرگذار هستند، در ایران کدام‌اند؟

(۳) الگوی مطلوب روابط بین نهادها، سازمان‌ها و دستگاه‌های متولی به منظور حفظ حقوق سپرده‌گذاران ناشی از بحران‌های نظام بانکی در ایران با تأکید بر الگوی نهادگرایی، چگونه است؟

(۴) نقشه‌راه روابط علی و معلولی حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی در ایران با تأکید بر الگوی نهادگرایی چگونه خواهد بود؟

(۵) معیارهای ارزیابی خط‌مشی‌های حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی در ایران کدامند؟

(۶) ابزارهای اجرای خط‌مشی‌های حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی در ایران کدامند؟

۵- یافته‌های تحقیق

در مطالعه پیش‌رو، گردآوری داده‌ها در شش مرحله کدگذاری انجام شده است. در هر شش مرحله

جدول ۲- اهداف شناسایی شده براساس تحلیل مضمون (تم)

ردیف	مفاهیم (سطح یک)	کدهای نهایی
۱	تدوین یا اصلاح خط‌مشی مرتبط با حقوق سپرده‌گذاران بانکی	(۱) تدوین قوانین بر اساس توجه به حمایت از سپرده‌گذاران (۲) در دستور جلسه قرار گرفتن موضوع حفظ حقوق سپرده‌گذاران (۳) تعیین میزان اثرگذاری خط‌مشی‌های حفظ حقوق سپرده‌گذاران تا کنون (۴) اجرای قوانین از پیش‌نوشته‌شده در برنامه توسعه‌ای کشور (۵) تعیین قواعد و مقررات حفظ حقوق سپرده‌گذاران (۶) تعیین خط‌مشی‌های مرتبط به حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی
۲	کاهش هزینه‌های بهای تمام شده پول برای بانک‌ها	(۷) کاهش هزینه‌های تأمین مالی بانک‌ها (۸) افزایش انعطاف مالی برای بنگاه مالی (۹) پاسخگویی به تعهدات مالی سپرده‌گذاران و ذینفعان (۱۰) کاهش ریسک نقدینگی و اعتباری و سایر ریسک‌های مربوطه
۳	افزایش و ارتقای سطح جایگاه حقوق سپرده‌گذاران بانکی	(۱۱) راه‌اندازی بیمه سپرده‌ای براساس قانون توسعه چهارم کشور (۱۲) اصلاح و بهبود قوانین صندوق ضمانت سپرده‌ها (۱۳) برقراری مناسباتی که توجه قانون‌گذاران را به حقوق سپرده‌گذاران جلب نماید
۴	برقراری تعادل در جریان‌های سیاسی، اقتصادی و اداری	(۱۴) کاهش مداخلات سیاسی جهت تصمیم‌های مالی (۱۵) افزایش تعاملات اقتصادی نهاد مجری بانک مرکزی (۱۶) توجه به حفظ حقوق سپرده‌گذاران (۱۷) کاهش در تعارض منافع در خط‌مشی‌های مالی دولت با خط‌مشی‌های بانک‌ها (۱۸) پرداخت بدهی‌های دولت به بانک‌ها (۱۹) کاهش وابستگی بانک مرکزی به دولت (۲۰) تغییر رویکرد برنامه‌های توسعه‌ای کشور با تغییر دولت‌ها (۲۱) اثرگذاری مباحث بالای امنیتی و سیاسی در حوزه بانکداری و حفظ حقوق سپرده‌گذاران
۵	افزایش تعاملات بین بخشی، فرابخش و نهادی	(۲۲) بازمهندسی تعاملات بین بخشی و فرابخش نهادها (۲۳) تعیین سطوح دسترسی سپرده‌گذاران در بحران‌ها به مراجع قانونی (۲۴) تعیین نهادها، سازمان‌ها و دستگاه‌های متولی و روابط میان آنها
۶	اجرای بیمه‌های سپرده‌ای	(۲۵) اجرای صحیح قانون سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه کشور بابت ضمانت و بیمه سپرده‌ها (۲۶) ایجاد نهادهای مکمل حمایتی با عملکرد بیمه سپرده‌ها (۲۷) ایجاد انعطاف‌پذیری سپرده‌های بانکی در قبال بیمه (۲۸) ایجاد نظام بیمه سپرده‌های بانکی (۲۹) حمایت از نظام‌های بیمه سپرده توسط دولت و بانک مرکزی
۷	افزایش سطوح نظارتی دستگاه‌های متولی	(۳۰) ماهیت در حال تغییر شرایط اقتصادی و یکسان ماندن قوانین (۳۱) یکپارچگی در سیاست‌گذاری کلان حمایت از سپرده‌گذاران بانکی در بحران‌های بانکی و اقتصادی (۳۲) قوانین الزامی برای بانک‌ها در راستای مصرف صحیح نقدینگی به منظور صرف ارائه تسهیلات و اعتبارات و جلوگیری از حجم بالای مطالبات معوق بانک‌ها (۳۳) قوانین نظارتی با تعیین شاخص‌های قابل اندازه‌گیری جهت نظارت مؤثر و اجرای صحیح آن (۳۴) بهبود قوانین مربوط به ورشکستگی بانک‌ها و اصلاح آن
۸	توانمندسازی منابع انسانی در نهادهای مجری	(۳۵) آموزش‌های عمومی برای سپرده‌گذاران به منظور کاهش ریسک سرمایه‌گذاری از سوی دولت (۳۶) آموزش‌های تخصصی برای مجریان بانک‌ها

بازیگران اصلی و فرعی در حفظ حقوق

سپرده‌گذاران

پس از بررسی‌های صورت گرفته، نهادهای متولی درگیر موضوع پژوهش، شناسایی شدند. حفظ حقوق سپرده‌گذاران، یک خط‌مشی فرابخشی می‌باشد و با اجرای این خط‌مشی نیازمند همکاری و تعامل نهادها و

دستگاه‌های مختلف دولتی و خصوصی است، بنابراین تعیین مجریان و بازیگران اصلی هر یک از خط‌مشی‌ها در این زمینه ضروری می‌باشد. در جدول ۳ به نهادها و دستگاه‌های درگیر و اثرگذار براساس مفاهیم شناسایی شده راه کاری مبتنی بر اهداف که به عنوان بازیگران موضوع اشاره می‌گردد.

جدول ۳- خط‌مشی‌های کلی و مجریان و بازیگران شناسایی شده براساس تحلیل مضمون (تم)

ردیف	خط‌مشی‌های کلی	مجریان اصلی
۱	بهبود قوانین بانک مرکزی	وزارت امور اقتصاد و دارایی بانک مرکزی و دستگاه‌های وابسته قوه مقننه و نمایندگان مجلس سازمان برنامه و بودجه قوه مجریه صندوق ضمانت سپرده‌ها بیمه مرکزی- شرکت‌های بیمه
۲	افزایش توجه خط‌مشی‌گذاران به حقوق سپرده‌گذاران	شورای پول و اعتبار بانک مرکزی تقویت نظارت هیئت انتظامی بانک ها توسط بانک مرکزی سازمان بازرسی کل کشور تقویت دستگاه‌های نظارتی توسط بانک مرکزی قوه مقننه (تدوین قوانین محدودکننده (درهای گردان) توسط دولت)
۳	اجرای برنامه‌های توسعه‌ای کشور	وزارت امور اقتصاد و دارایی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی صندوق ضمانت سپرده‌ها نهاد و سازمان‌های بیمه‌ای دولت (قوه مجریه) جهت پوشش ریسک سپرده‌گذاران وزارت ارتباطات سازمان آموزش مدیریت دولتی آژانس مالی به عنوان یک نهاد مستقل
۴	تعیین چارچوب فعالیت‌های بانک مرکزی با رویکرد اصلاحی	کمیسیون اقتصادی مجلس پژوهشکده علوم بانکی وزارت امور اقتصاد و دارایی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قوه مقننه صندوق ضمانت سپرده‌ها بیمه مرکزی بانک مرکزی با ارکان مرتبط قوه مجریه همراه با وزرات‌خانه‌های مرتبط
۵	تقویت ساختار و عملکرد شورای پول و اعتبار	قوه مجریه و سایر نهادهای قانون‌گذار و طراح سازمان برنامه و بودجه
۶	تقویت نظارت هیئت انتظامی بانک‌ها	بانک مرکزی وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها) قوه قضائیه
۷	کاهش اثرگذاری کانون بانک‌های خصوصی و دولتی در تصمیم‌ها	بانک مرکزی وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها)
۸	کاهش اثرگذاری کمیسیون‌های تخصصی بانک مرکزی در تصمیم‌ها	بانک مرکزی وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها)
۹	تقویت دستگاه‌های نظارتی	بانک مرکزی سازمان بازرسی کل کشور هیات نظارت مجلس دیوان عدالت اداری
۱۰	تدوین قوانین محدودکننده (درهای گردان)	قوه مقننه وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها) بانک مرکزی - بانک‌های کشور سازمان صندوق ضمانت سپرده‌ها سازمان بیمه
۱۱	تقویت نهاد صندوق ضمانت سپرده‌ها	معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی بانک مرکزی سازمان برنامه و بودجه وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها)
۱۲	ایجاد و تقویت نظام بیمه سپرده‌ای	معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی بانک مرکزی سازمان برنامه و بودجه وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها)

ردیف	خط‌مشی‌های کلی	مجریان اصلی
۱۳	پوشش ریسک سپرده‌گذاران توسط دولت و نهادهای مرتبط	قوه مجریه بانک مرکزی وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها) بیمه مرکزی - شرکت‌های بیمه
۱۴	توسعه منابع و قابلیت‌ها اطلاعاتی	پژوهشکده علوم بانکی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بانک مرکزی وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها)
۱۵	تسریع و تسهیل در دستیابی به منابع مالی بانک‌ها در بحران	معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی بانک مرکزی صندوق ضمانت سپرده‌ها کانون بانک‌ها
۱۶	گسترش همکاری بخشی و فرابخشی	معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی بانک مرکزی وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها) وزارت علوم، تحقیقات و فناوری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات صدا و سیما قوه قضاییه (دادگاه‌ها و دادسراها)
۱۷	تقویت نهادهای متولی حمایت از سپرده‌گذاران	معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها) قوه مقننه و نمایندگان مجلس بانک مرکزی
۱۸	توسعه تشکلهای و جریان‌های گروه‌های هدف	معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی قوه مقننه و نمایندگان مجلس وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها) سازمان برنامه و بودجه
۱۹	قواعد نهادی	قوه مقننه (مشروعیت‌ساز به صورت زیربناهای قانونی و تنظیمی) وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها) بانک مرکزی صندوق ضمانت سپرده‌ها معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قوه قضاییه (دادگاه‌ها و دادسراها) بیمه مرکزی - شرکت‌های بیمه
۲۰	بررسی مسیر دسترسی سپرده‌گذاران به مجاری قانونی	وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها) پژوهشکده اقتصاد مجلس پژوهشکده علوم بانکی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۲۱	تعریف فرایندی از عملیات حل مشکل به صورت بخشی یا فرابخشی	وزارت امور اقتصاد و دارایی (بانک‌ها و بیمه‌ها) قوه مقننه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی سازمان برنامه و بودجه
۲۲	تعریف نقش رسانه‌ها در راستای بحران	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات رسانه‌ها (صدا و سیما، جراید و روزنامه‌ها و شبکه‌های مجازی)

مرحله ادراک و بیان مسأله

بانک‌ها، بانک مرکزی، مراکز تحقیقاتی و مجلس شورای اسلامی هر کدام به صورت جداگانه یا به صورت جمعی می‌توانند مسئله حفظ حقوق سپرده‌گذاران را

با توجه به شناسایی بازیگران موضوع پژوهش،

ضروری است به الگوی شش مرحله‌ای در حوزه اجرای که در قبل به آن اشاره شده بود، پرداخته شود:

تشخیص داده و آن را بیان کنند. بانک مرکزی، صندوق ضمانت سپرده‌ها و حتی بیمه مرکزی می‌توانند نقش محوری آن را داشته باشند.

مرحله انعکاس به مراجع ذی‌ربط

انعکاس مسئله به مراجع ذی‌ربط می‌تواند به‌طور رسمی یا غیررسمی صورت پذیرد. ارجاع رسمی می‌تواند از طریق بانک مرکزی، صندوق ضمانت سپرده‌ها، نهاد ریاست جمهوری، دستگاه قضا و ... صورت پذیرد. در شیوه غیررسمی، رسانه‌ها می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند و مراجع ذی‌صلاح را به تدوین خط‌مشی‌های مناسب جهت حل مسئله ترغیب نمایند.

مرحله تدوین خط‌مشی

صندوق ضمانت سپرده‌ها و بیمه مرکزی می‌توانند متولیان اصلی تدوین خط‌مشی‌های حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی باشند. در این راستا می‌توان مرحله تدوین خط‌مشی را به دو مرحله خط‌مشی‌سازی و انتخاب خط‌مشی تفکیک کرد. سازمان‌های پژوهشی مانند: پژوهشکده علوم بانکی، دانشگاه‌ها، پژوهشکده اقتصادی مجلس و سایر مراکز تحقیقاتی می‌توانند نقش مهمی در خط‌مشی‌سازی و ارائه خط‌مشی ایفا نمایند. هر چه در مرحله تدوین خط‌مشی، بازیگران مختلف بیشتر مشارکت کنند خط‌مشی در مراحل مشروعیت و اجرا با مشکلات کمتری مواجه خواهد بود. در این مرحله باید از نظرات خبرگان خط‌مشی‌گذاری، بانکی، سیاست‌گذاران و سپرده‌گذاران خرد و کلان در تدوین خط‌مشی استفاده کرد و آنها را در خط‌مشی‌گذاری مشارکت داد که در اینجا شکل حفظ حقوق سپرده‌گذاران ضروری به نظر خواهد رسید؛ زیرا با حضور نمایندگان خود، می‌تواند به عنوان بازیگران موضوع مطروحه ایفای نقش نمایند. با مشارکت بیشتر مجلس شورای اسلامی در تدوین خط‌مشی‌گذاری، مشروعیت در اجرای خط‌مشی، بیشتر خواهد شد و خط‌مشی‌ها با اصلاحات کمتری در مرحله قانونی ساختن و مشروعیت مواجه خواهند شد.

مرحله مشروعیت بخشیدن به خط‌مشی

در حال حاضر بانک مرکزی با ایجاد قانون از طریق شوراها و قوانین را تبیین می‌کند و وزیر اقتصاد و دارایی با تأیید خود به آن مشروعیت می‌بخشد. در این راستا به منظور مشروعیت بخشیدن در راستای ضمانت اجرایی، بهتر است حضور صندوق ضمانت سپرده و بیمه مرکزی به عنوان متولیان حفظ حقوق سپرده‌گذاران پررنگ‌تر بوده و بعد از تفهیم موضوع، آن را از طریق بانک مرکزی، تصویب و به اجرا برساند و از طرفی به عنوان یک طرح، موضوع را در مجلس مطرح، تا پس از جمع‌آوری آرا به خط‌مشی مورد نظر مشروعیت قانونی بخشد. بدیهی است در این مرحله خط‌مشی تدوین شده اولیه، طی رفت و برگشت‌های چندگانه‌ای بین مجلس، دولت و بانک مرکزی و نهادهای متولی، مورد تعدیل و اصلاح قرار گیرد. بعد از تعدیل‌های لازم، قانون تصویب شده و برای اجرا به دولت ابلاغ می‌گردد. بانک مرکزی از طرف دولت، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و کمیسیون اقتصاد و صندوق ضمانت سپرده‌ها و بیمه مرکزی، نقش کلیدی را در این چانه‌زنی‌ها ایفا می‌کنند و در صورت ایجاد تشکلی در راستای منافع سپرده‌گذاران، تشکل مربوطه می‌تواند نقش بسیار اثرگذاری را ایفا نماید.

مرحله اجرای خط‌مشی

خط‌مشی حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی، یک خط‌مشی زمانی فرابخشی است که سازمان‌ها و نهادهای مختلف عمومی و خصوصی در سطوح و حوزه‌های مختلف را در اجرا، درگیر باشند. متولیان تنظیم و اجرای خط‌مشی، صندوق ضمانت سپرده‌ها و بیمه مرکزی (طی حفظ استقلال خود)، با نظارت بانک مرکزی بوده و در تعامل نزدیک با سایر سازمان‌ها و بانک‌ها در این راه اجرای نقش نمایند.

مرحله ارزیابی و بازخورد خط‌مشی

بعد از اجرای قانون توسط دولت، در این مرحله نوبت به ارزیابی خط‌مشی‌ها می‌رسد. در این مرحله با

رویکردهای مختلفی که عمدتاً ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد، خط‌مشی‌ها نقد و ارزیابی می‌شوند. عمده نقد و ارزیابی‌ها باید بر اساس معیارهای اولویت‌بندی که در مراحل قبل بر آنها توافق شد، صورت گیرد. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پژوهشکده علوم بانکی، مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌های سراسر کشور و خود بخش خصوصی، نیز می‌تواند کار ارزیابی را انجام

دهند. هر چند خود دستگاه‌های اجرایی نیز می‌توانند مکانیزم اجرایی ارزیابی‌ها را فراهم کنند. بعد از انجام ارزیابی‌ها، نوبت به اصلاح خطمشی‌ها و راه‌کارها می‌رسد و فرایند و چرخه خطمشی‌گذاری از نو طی خواهد شد و به صورت قانون جدید تصویب یا با الحاقیه و تبصره‌هایی به قانون قبلی اضافه می‌گردد.

جدول ۴- نقش بازیگران در فرایند خط‌مشی‌گذاری حفظ حقوق سیرده‌گذاران بانکی

[illegible]

الگوی نهادگرایی و روابط حاکم بر آن

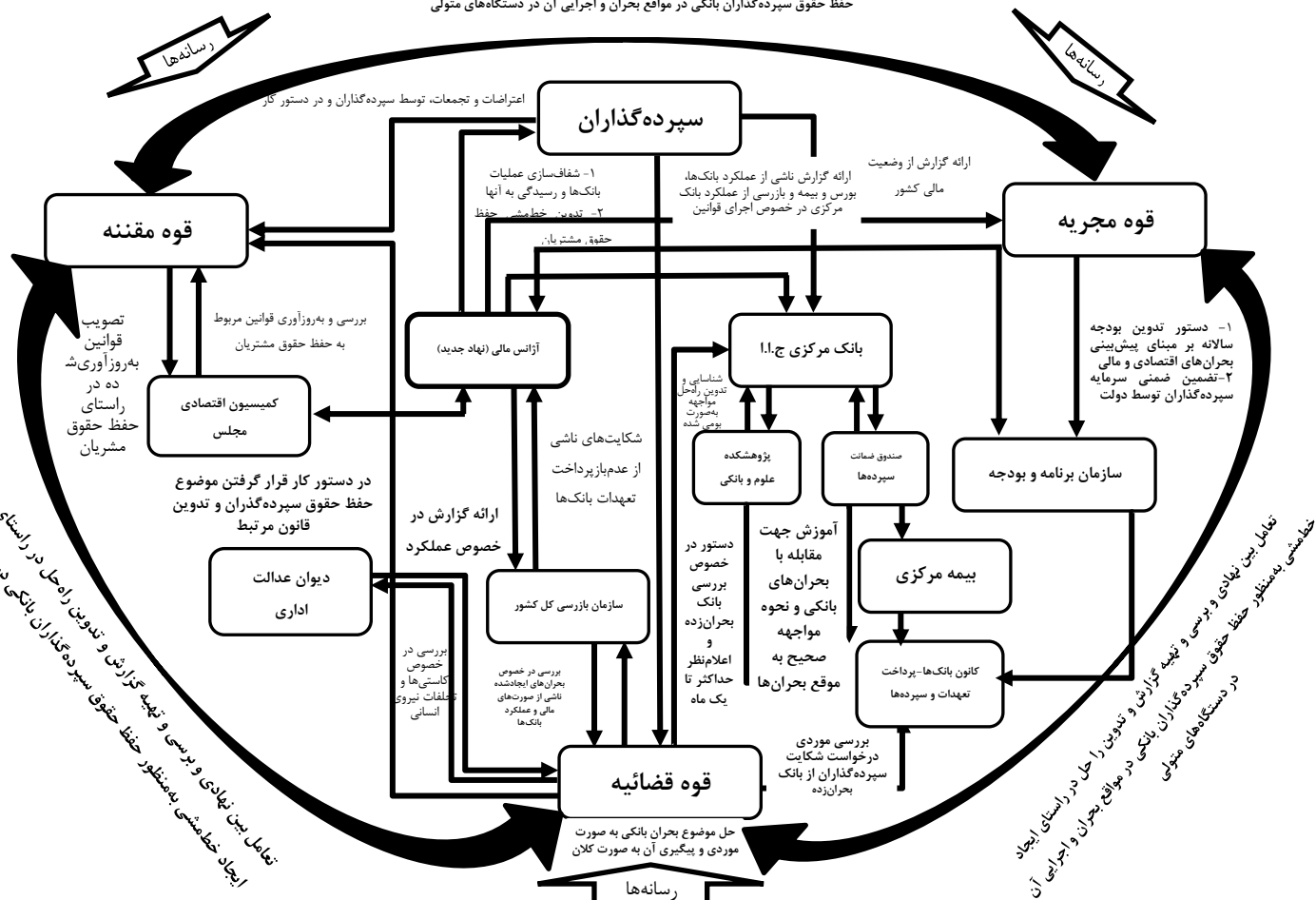
براساس بررسی الگوی نهادی و طی مصاحبه‌های صورت پذیرفته شده با خبرگان حوزه خط‌مشی‌گذاری و بانکم، در راستای شناسایی و ترسیم الگوی روابط

بازیگران و مجریان به منظور ارتباطات ساختاری نهادها و سازمان‌های متولی، الگویی ابتدایی ترسیم گردید. سپس به منظور بهینه‌سازی الگو که توانایی نشان دادن روابط بین ارکان و نهادها به‌طور خاص نشان داده شود، مدل

روابط حاکم بر آن و همچنین تعیین نقشه راه برای روند عملیاتی سپرده گذاران بر اساس تحلیل مضمون (تم) در شکل ۱ ارائه شده است.

ابتدایی در اختیار خبرگان قرار گرفت که در نهایت طی رفت و برگشت ها و ایجا تضارب آراء، مدل نهایی و مطلوب ترسیم گردید. الگوی نهادی، بر اساس نوع روابط، از چرخه تدوین کنندگان خط مشی، بازیگران و مجریان تا

تعامل بین نهادی و بررسی و تهیه گزارش و تدوین راه حل در راستای ایجاد تصویب خط مشی به منظور حفظ حقوق سپرده گذاران بانکی در مواقع بحران و اجرایی آن در دستگاه های متولی



شکل ۱- الگوی نهادگرایی و روابط حاکم بر آن

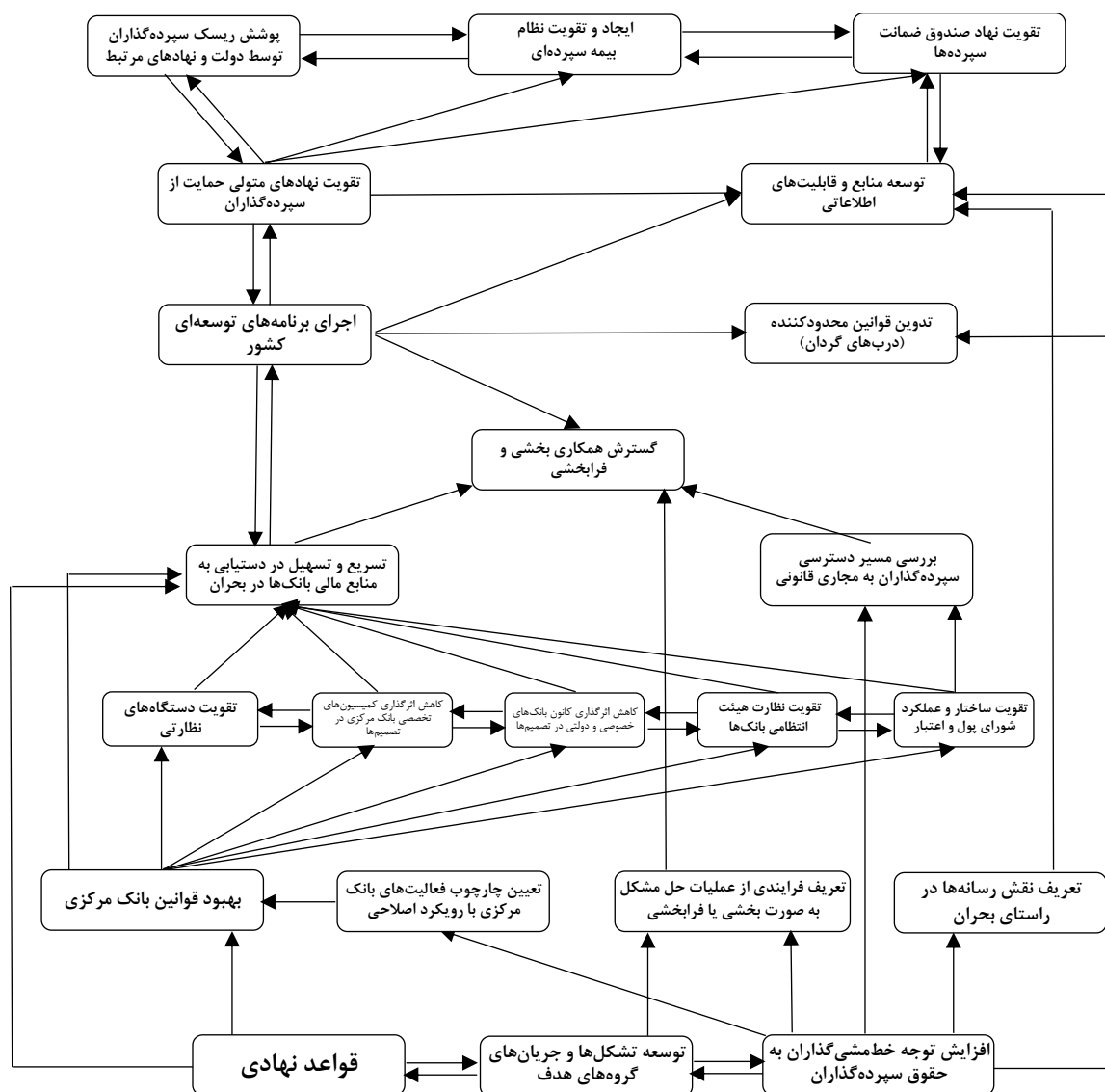
نیستند و ارتباطات علت و معلولی بین آنها وجود دارد که آگاهی از آنها در خط مشی گذاری مطلوب نقش بسیار مهمی دارد. نقشه خط مشی، ابزاری است که تصویری از روابط ساده شده میان خط مشی ها را فراهم می نماید. نقشه خط مشی، تمامی خط مشی ها و رابط علت و معلول شناسایی شده میان آنها در طرحی یک صفحه ای، گرد هم می آورد. این نقشه، دید کلی از روابط کلیه

نقشه راه روابط علی و معلولی

یکی از کاستی هایی که در اسناد خط مشی و اسناد راهبردی به خصوص در سطوح کلان و ملی مشاهده می شود، آن است که صرفاً به ارائه مجموعه ای از خط مشی ها پرداخته می شود، بدون آن که روابط علی و معلولی میان آنها بیان گردد اما مورد توجه است که خط مشی های حوزه های مختلف از یکدیگر مستقل

این نقشه برای جهت‌گیری و اولویت‌بندی‌های خط‌مشی‌ها استفاده کرد. همچنین استفاده از این نقشه تعامل و همکاری مجریان حوزه‌های مختلف را تسهیل می‌نماید.

خط‌مشی‌ها بر اساس ترتیب توجه و اجرا را نشان می‌دهد. توجه به این روابط می‌تواند از بروز مشکلات در یک حوزه به واسطه نادیده گرفتن سایر حوزه‌ها، جلوگیری کند. خط‌مشی‌گذاران و مجریان می‌توانند از



نمودار ۲- نقشه راه روابط علی و معلولی

می‌توان مورد استفاده قرار داد. دسته‌بندی ارائه شده در این پژوهش شامل ۲۶ نوع ابزار می‌باشد که در شش دسته اصلی شامل: ابزارهای تنظیمی و مدیریتی، قانونی، اقتصادی و مالی، سازمانی، آموزش و اطلاعاتی و نمادین و ترغیبی قرار می‌گیرند در جدول ۴ نشان داده شده است.

ابزارهای اجرای خطمشی‌ها

در این پژوهش، دسته‌بندی جامع از ابزارهای اجرای خطمشی ارائه شده است. ابزارهای ارائه شده ویژه حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی در ایران است اما بسیاری از ابزارها را در حوزه‌های دیگر نیز

جدول ۴- ابزارهای پیشنهادی

ابزارهای اصلی	ابزارهای فرعی	مثال
ابزارهای تنظیمی و مدیریتی	منابع ظرفیت‌ها ساختارها فرایند و رویه‌ها روابط سهمیه‌ها نظارت حقوق و امتیازات	اختصاص بخشی از منابع دولت و بانک مرکزی به منظور بحران‌های بانکی در کشور اختصاص بخشی از ظرفیت رسانه‌ها جهت آموزشی‌های عمومی اصلاح برخی از ساختارهای سازمانی بانک مرکزی و ایجاد نهادهای مرتبط کوتاه نمودن فرایندهای اداری جهت پرداخت مطالبه سپرده‌گذاران تنظیم روابط میان سازمان‌ها و نهادهای در بحران‌ها در نظر گرفتن پایه‌ای بودجه‌ای برای بحران‌های بانکی تشدید نظارت بر عملکرد بانک‌ها برقراری حق و امتیازات متناسبی برای سپرده‌گذاران و بانک‌ها
ابزارهای قانونی	قوانین، مقررات و مصوبه‌ها استانداردها	تدوین قوانین و مقررات در حمایت از سپرده‌گذاران توسعه استانداردهای بانکی و اجرای آن
ابزارهای اقتصادی و مالی	بیمه سپرده‌ها توسط بیمه مرکزی تضمین سپرده‌ها توسط دولت تضمین سپرده‌ها سرمایه‌گذاری‌ها	انجام بیمه سپرده‌ای توسط نهاد بیمه کشور تضمین سپرده‌ها توسط دولت تضمین سپرده‌های توسط صندوق ضمانت در مبالغ بالا و مشمولیت آحاد سپرده‌گذاران هدایت سرمایه‌های مردمی با سودهای متناسب با نرخ تورم کشور در بخش تولید و صنایع مادر
ابزارهای سازمانی	سازمان‌های دولتی سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی رویه‌های سازمانی و اداری	تقویت نهادهای متولی عملیات سپرده‌ای و مرتبط به آن افزایش تشکلهای، خوشه‌ها و شرکت‌های بیمه‌ای در راستای ضمانت سپرده‌ها تسهیل در فرایندهای اداری پرداخت وجوه در بحران‌ها
ابزارهای آموزش و اطلاعاتی	آموزش مشاوره اطلاعات توصیه دانش و آگاهی راهنمایی و جهت‌دهی	آموزش‌های مرتبط و مستمر توسط نهادهای مرتبط برای بانکداران در مواجهه با بحران‌های بانکی مشاوره توسط بانک مرکزی و نهادهای نظارتی به بانک‌ها در بحران‌ها ارائه اطلاعات و بازخوردهای مناسب توسط نهادهای مرتبط در بحران‌های به بانک‌ها و سپرده‌گذاران توصیه‌های متناسب با شرایط به بانک‌ها و سپرده‌گذاران توسط دولت، نهادهای نظارتی و بانک مرکزی آگاه ساختن آحاد سپرده‌گذاران از عواقب هجوم‌های بانکی و عواقب احتمالی آن جهت‌دهی‌های مناسب توسط نهادهای ناظر، بانک مرکزی و دولت به بانک‌ها و دور کردن آنها از بنگاهداری
ابزارهای نمادین و ترغیبی	رسانه‌ها حرکات نمادین جوایز و مشوق‌ها	طرح مستمر موضوع بحران‌های مالی و اقتصادی و افزایش دانش مالی جامعه تقدیر از بانک‌ها و مؤسسه‌هایی که در مواجهه با بحران، عملکردی سریع و مناسب داشته‌اند در نظر گرفتن مشوق‌هایی برای بانک‌ها و مؤسسه‌های بحران زده و سپرده‌گذاران در بحران‌های مالی در راستای اجرای صحیح خط‌مشی‌ها

معیارهای ارزیابی

خط‌مشی‌ها را می‌توان با توجه به نتایج اولیه حاصل از خط‌مشی (برون‌دادها) یا براساس نتایج نهایی آن (اثر خط‌مشی) مورد بررسی قرار داد. هدف و نتیجه نهایی خط‌مشی، حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی، افزایش منافع آنها و در نهایت، افزایش حس اعتماد سرمایه‌گذاران در بانک‌ها می‌باشد که در نمای کلی حوزه اقتصادی کشور نیز از آن منتفع خواهد شد. با جمع‌بندی و دسته‌بندی و تلخیص نظرات آنها تعداد ده معیار ارزیابی عملکرد نهایی خط‌مشی حفظ

حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی استخراج

گردیده است که عبارتند از:

- ۱) تعداد قوانین اصلاح شده بانک مرکزی در هر سال در مسیر حفظ حقوق سپرده‌گذاران یا قوانین مرتبط به آن
- ۲) افزایش شاخص میانگین موزون، سقف پرداختی صندوق ضمانت سپرده‌ها متناسب با پیش‌بینی نرخ تورم سالانه هر سال
- ۳) ایجاد نهاد و نظام بیمه سپرده‌ای و توسعه‌ای آن در ساختار و قوانین

۴) میزان نسبت پوشش بیمه سپرده‌ای سپرده‌گذاران به کل سپرده‌ها

۵) کاهش میزان پرونده‌های قضایی ناشی از شکایت‌های مالی در بحران‌ها

۶) افزایش میزان رسیدگی پرونده‌های مالی نسبت به کل پرونده‌ها

۷) افزایش قوانین محدودکننده به منظور جلوگیری از موازی کاری‌ها و رانت‌بازی‌ها

۸) پایش ارتباطات و فرایندهای نهادهای متولی حمایت از حقوق سپرده‌گذاران

۹) پایش توسعه منابع انسانی و اطلاعاتی

۱۰) میانگین تعداد دوره‌های آموزشی تخصصی، توسط نهادهای متولی برای کارکنان بانک‌ها و آحاد جامعه در راستای مدیریت بحران بانکی.

در این راستا، برای درک دقیق و درست از میزان موفقیت اجرای خط‌مشی باید به ترکیبی از شاخص‌های ارائه شده توجه نمود؛ زیرا به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان، هیچ‌یک از شاخص‌های فوق به تنهایی قادر به سنجش میزان موفقیت خط‌مشی حفظ حقوق سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی در ایران نیستند.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

براساس مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان و خط‌مشی‌گذاران در خصوص حفظ حقوق شهروندان سپرده‌گذار در بحران‌های بانکی کلان‌شهر تهران، نظرات متفاوتی از منظر قانونی، ساختاری، اجرایی، خط‌مشی‌گذاری و ... بیان گردید. برخی از خبرگان معتقد بودند که موانع سیاسی، اقتصادی، رویه‌ای و ... وجود دارد و به منظور محافظت از سپرده‌گذاران و بانک‌ها، دولت باید سیاست‌هایی را دنبال نماید تا آنها را از سر راه بردارد و از طرفی باید سیاست‌هایی تدوین کند تا موانع موجود به لحاظ تحریم‌ها کاسته شود تا بانک‌ها و سپرده‌گذاران از آسیب‌های اقتصادی به دور باشند. برخی از خبرگان نیز معتقد بودند، عملاً اداره

صندوق ضمانت سپرده‌ها در اختیار بانک مرکزی است در حالی که طبق قانون، صندوق نهاد عمومی غیردولتی است. قانون برنامه پنجم اشاره صریح به این مقوله دارد که صندوق، نهادی مستقل و غیردولتی است و توجه به عدم استقلال نهاد صندوق ضمانت سپرده‌ها بیان نموده بودند و ضعف صندوق ضمانت سپرده‌ها در حمایت از سپرده‌گذاران به دلیل اشکال در ساختار حقوقی کشور که منوط به طی مراحل قانونی و وقوع ورشکستگی را بسیار مشهود دیدند. برخی دیگر در خصوص آماده نبودن منابع و امکانات زیرساخت‌ها برای مواجهه با بحران‌های اقتصادی و مالی توسط نهادهای مسئول و برخی از آنها نیز در حوزه اقتصادی معتقد بودند که بدهی بالای دولت به سیستم بانکی برای جبران کسری بودجه، متأثر شدن فعالیت‌های اقتصادی از رکود موجود در اقتصاد و بدهی بالای دولت به بخش خصوصی و به عبارتی تسلط دولت را بر بخش پولی و بانکی مطرح نمودند. با توجه به مقوله‌ها و مفاهیم به‌دست آمده از پژوهش، افزایش توجه خط‌مشی‌گذاران از طریق مبادی مختلف مانند: رسانه‌ها، تشکلات، تصمیم‌سازان، مجریان، گروه‌های نفوذ یا فشار و ... مهم و ضروری‌ست و تدوین یا اصلاح خط‌مشی‌های مرتبط با حقوق شهروندان سپرده‌گذار بانکی به منظور تحقق اهداف، بسیار ضروری و مهم است. وجود برخی از تضادهای منافع در ساختار بانک مرکزی باعث تضییع شدن حقوق شهروندان سپرده‌گذار خواهد شد. برای مثال، وجود قانون بانک‌ها و همچنین کمیسیون‌های تخصصی در بانک مرکزی در راستای حفظ منافع بانک‌ها و تأثیرگذاری آنها بر تصمیم‌ها، باعث می‌گردد تا قوانین یک طرفه‌ای اجرا گردد که منتفع آن، بانک‌ها یا افراد خاص باشند، نه سپرده‌گذاران، با توجه به وجود شورای پول و اعتبار در ساختار بانک مرکزی (به گفته خبرگان حذف این شورا نیز می‌تواند برخی از موانع را مرتفع نماید) قانون‌ها و کمیسیون‌ها ضروری نبوده و متناسب با ساختار دینی کشور، بانکداری اسلامی باید نهادینه گردد. از منظری دیگر نیز افزایش و ارتقای سطح جایگاه حقوق

سپرده‌گذاران بانکی، بسیار ضروری است. در صورتی که به بخشنامه‌های بانک مرکزی مراجعه گردد، هیچ دستورالعمل و بخشنامه‌ای در خصوص حفظ حقوق سپرده‌گذاران دیده نمی‌شود و با توجه به ماهیت تخصصی آن، فقط و فقط چارچوب بانک‌ها و ضوابط حاکم بر آن عنوان شده است. با بررسی‌های انجام شده در قانون پولی و بانکی کشور، در خصوص ورشکستگی بانک‌ها حکم خاصی غیر از بند د ماده ۴۱ وجود ندارد. خلاف مقررات عام قانون تجارت در این خصوص وجود ندارد و صرفاً با توجه به لزوم نظارت عالیه بانک مرکزی در خصوص نحوه فعالیت بانک‌ها و نیز توقف فعالیت آنها چنین مقرر شده است که دادگاه تصمیم نهایی خود را باید با توجه به نظر بانک مرکزی اتخاذ نماید که در این رابطه یک مهلت زمانی یک ماهه نیز مد نظر قرار گرفته است و نظر اعلامی بانک مرکزی به دادگاه در خصوص ورشکستگی یک بانک جنبه ارشادی داشته و در نهایت دادگاه مطابق با تشخیص خود اقدام خواهد کرد که توجه به آن از منظر خط‌مشی‌گذاری بسیار ضروری‌ست. بر اساس بند ط ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، وزارت اقتصاد و دارایی موظف شده است، تا پایان این برنامه اقدامات لازم را برای راه‌اندازی بیمه سپرده‌ها به انجام برساند؛ اما از زمان تصویب تاکنون عملاً اقدامات جدی در این خصوص صورت نپذیرفته است. در قانون برنامه پنجم توسعه کشور مجدداً این بند تکرار شده است و الزام به اجرای برنامه‌های توسعه‌ای کشور نیز بسیار ضروری است؛ زیرا در راستای آن اهداف کلان کشور صورت می‌پذیرد.

بنابراین نظریه‌های خط‌مشی‌گذاری حفظ حقوق سپرده‌گذاران، بیانگر آن هستند که با وجود محدودیت‌ها، نواقص و ناکارآمدی برخی از فرایندها و قوانین در این حوزه، توجه به شهروندان سپرده‌گذار در بحران‌های بانکی کلان‌شهر تهران و در تمام شهرهای کشور بسیار ضروری و مهم بوده است و باید مورد توجه

قانون‌گذاران و تصمیم‌سازان قرار گیرد. با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاد می‌گردد:

۱- قرار گرفتن در دستور جلسات و تدوین قوانین مرتبط، به تعیین قواعد و مقررات حفظ حقوق سپرده‌گذاران پرداخته و در راستای آن نیز تعیین خط‌مشی‌های مرتبط، صورت پذیرد. ضروری است که این مهم در برنامه‌های توسعه‌ای کشور، نیز مد نظر قرار گیرد.

۲- کاهش اثرگذاری نهادهای مذکور که از طرف بانک مرکزی متولی می‌باشند، در تصمیم‌ها اجرایی گردد و فقط در نقش تصمیم‌سازان ایفای نقش نمایند یا اینکه با قدرت بخشیدن به نهادهای بیمه سپرده‌ای و صندوق ضمانت سپرده به منظور برقراری موازنه، آنها هم در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند که بتوانند اثرگذاری لازم را در راستای حفظ حقوق سپرده‌گذاران داشته باشند تا از این طریق موازنه و حفظ تعادل در راستای منافع یکدیگر برقرار گردد.

۳- راه‌اندازی بیمه سپرده‌ای براساس قانون توسعه چهارم کشور و اصلاح و بهبود قوانین صندوق ضمانت سپرده‌ها و برقراری مناسباتی که توجه قانون‌گذاران را به حقوق سپرده‌گذاران جلب نماید که می‌تواند توسط نهادهای متولی این امر مورد توجه قرار گیرد.

۴- ضروری است قانون‌گذاران در خصوص ورشکستگی بانک‌ها به صورت مفصل‌تر از جنبه‌های تخصصی‌تر، حقوقی و اجرایی بازنگری لازم را مورد توجه قرار دهند؛ زیرا در راستای بند مذکور از ماده ۴۱، نوعی طبقه‌بندی در مطالبات طلبکاران یک بانک صورت گرفته است. به موجب این بند: استرداد سپرده‌های پس‌انداز یا سپرده‌ای مشابه تا میزان پنجاه هزار ریال در درجه اول و سپرده‌های حساب جاری و سپرده‌های ثابت تا همان مبلغ در درجه دوم بر کلیه تعهدات دیگر بانک‌های منحل شده یا ورشکسته و سایر حقوق ممتازه مقدم است؛ اما این مبالغ، بسیار ناچیز بوده و پاسخگوی آحاد

مشتریان و شهروندان سپرده‌گذار نبوده و الزام بازننگری به ماده و بند مذکور را دو چندان نماید.

۵- توجه دولت به راه‌اندازی بیمه سپرده‌ها ضروری است تا در زمان بحران‌های اقتصادی و مالی کشور، سپرده‌گذاران و ذی‌نفعان بانک و در نتیجه سیستم اقتصاد کلان کشور کمتر دچار آسیب و تنش اقتصادی قرار گیرد.

۶- باز مهندسی تعاملات بین بخشی و فرا بخش نهادها و تعیین نهادها، سازمان‌ها و دستگاه‌های متولی و روابط میان آنها و همچنین تعیین سطوح دسترسی سپرده‌گذاران در بحران‌ها به مراجع قانونی، مشکل موجود نیز مرتفع گردد.

۷- ایجاد نهادهای مکمل حمایتی با عملکرد بیمه سپرده‌ها توسط دولت و ایجاد انعطاف‌پذیری سپرده‌های بانکی در قبال بیمه با برقراری نظام بیمه‌های سپرده‌ای موضوع سپرده‌گذاران بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد. فارغ از محدودیت‌های فراروی پژوهش و عدم دسترسی به برخی از خط‌مشی‌گذاران و خبرگان در هر یک از مقوله‌های الگوی نهادگرایی حفظ حقوق شهروندان سپرده‌گذار در بحران‌های بانکی کلان شهر تهران، هر یک از معضلات شناسایی شده دارای مقوله‌ها و مفاهیم مستقلی است که در ادامه این پژوهش به سایر محققان در پژوهش‌های آتی پیشنهاد شده است. برای مثال بررسی اثرات ناشی از بحران‌های بانکی بر سپرده‌گذاران در بحران‌های بانکی، بسیار مهم و حائز اهمیت به نظر می‌رسد. همچنین پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های کاربردی در خصوص الگوهایی برای ارزیابی خط‌مشی‌ها، منافع و هزینه‌ها، ارزیابی اثربخشی، ارزیابی کارایی، ارزیابی فرایند، ارزیابی تلاش، رضایت ذی‌نفعان، سپرده‌گذاران و کارکنان بانک‌ها و ... نیز انجام پذیرد.

۷- منابع

ابونوری، اسمعیل؛ مهرگان، نادر؛ صفری، نفیسه. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل مؤثر بر احتمال وقوع بحران‌های

سیستم بانکی کشورهای منتخب جهان با استفاده از مدل پانل لاجیت. نشریه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۶ (۸۸)، ۷-۳۸.

استوکر، جری؛ مارش، دیوید. (۱۳۹۵). روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

امامی، سیدمجتبی؛ باقری نصرآبادی، محسن. (۱۳۹۴). طراحی چارچوب نهادی برای شناسایی و انجام کارآفرینانه مأموریت‌های بسیج سازندگی. نشریه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۸ (۶۹)، ۱۰۳-۱۳۰.

امیری، حسین؛ توفیقی، مونا. (۱۳۹۶). الزامات وجود بیمه سپرده و ارتباط آن با مقاومت بانکی. نشریه اقتصاد مالی، ۱۱ (۴۱)، ۱۷۷-۱۹۹.

امین قاشق‌ای، سپیده. (۱۳۹۷). بررسی ماهیت حقوقی صندوق ضمانت سپرده‌های بانکی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی.

باقری، محمود؛ عبدی، صادق؛ برخی، نسیم. (۱۳۹۷). ابعاد حقوقی نقش و قابلیت ایجاد بیمه سپرده در ایران. نشریه دانش حقوق مدنی، ۱۷ (پیاپی ۱۳)، ۲۸-۱۹.

دانایی‌فر، حسن؛ امامی، سید مجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. نشریه اندیشه مدیریت راهبردی، ۱ (۲)، ۹۷-۶۹.

دانش‌فرد، کرم‌اله؛ رجایی، زهرا. (۱۳۹۷). راهبردهای شکل‌گیری مؤثر خط‌مشی در حیطه سلامت نظام اداری. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۲۴ (۶۸)، ۸۷-۶۵.

رحیمی باغی، علی؛ عرب‌صالحی، مهدی؛ برزانی، محمد واعظ. (۱۳۹۷). تعیین تاریخ وقوع بحران‌های مالی شکل گرفته در بورس اوراق بهادار تهران به شیوه‌ای مستقیم با تأکید بر عامل تورم. فصلنامه حسابداری مالی، ۱۰ (۳۷)، ۴۴-۲۴.

رضایی پندری، عباس؛ آذر، عادل. (۱۳۹۷). طراحی مدل مدیریت زنجیره تأمین خدمات با رویکرد نظریه داده‌بنیاد. نشریه پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۱ (۳۹)، ۵-۳۲.

- In *Handbook of public policy agenda setting*. Edward Elgar Publishing.
- Baudino, P., Defina, R., Fernández, J. M., Real, K. H., & Walters, R. (2019). FSI Insights. Bank failure management the role of deposit insurance, Bank for International Settlements
- Borodacheva, L. V., Goloborodov, A. F., Guseva, A. I., Drozdova, A. A., & Glyzina, M. P. (2016). The impact of the global financial crisis on the banking system of Russia. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 6(1S), 306-311.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Claessens, S., & Kose, M. M. A. (2013). *Financial crises explanations, types, and implications* (No. 13-28). International Monetary Fund.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2014). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage publications.
- Demirgüç-Kunt, A., Kane, E., & Laeven, L. (2015). Deposit insurance around the world: A comprehensive analysis and database. *Journal of financial stability*, 20, 155-183.
- Griira, J., Hassan, M. K., & Soumaré, I. (2016). Pricing beliefs: Empirical evidence from the implied cost of deposit insurance for Islamic banks. *Economic Modelling*, 55, 152-168.
- Laeven, L. (2016). *Banking crises: a review. Annual. Review Financ Economics*, Vol 3, 17-40
- Ogunbado, A. F., Abubakar, Y. S., Olorogun, L., & Ahmed, U. (2016). Concept of Deposit Insurance: A Comparative Study between Conventional System and Shariah.
- زارعی، ژاله؛ کميجانی، اکبر. (۱۳۹۴). شناسایی و پیش‌بینی بحران‌های بانکی در ایران. *نشریه مدل‌سازی اقتصادی*، ۹(۲۹)، ۱-۲۳.
- شیخانی، سعید. (۱۳۸۲). سیستم بیمه سپرده‌ها: ابزاری در جهت توسعه بانکداری غیردولتی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- شیروانی، خدیجه. (۱۳۹۸). *نظام حقوقی حاکم بر ورشکستگی بانک‌ها*. پایان‌نامه دکتری، گروه فقه و اصول، دانشگاه شهید مطهری.
- عسگری، میترا. (۱۳۹۵). بیمه سپرده و نقش آن در سیستم بانکی کشور. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی.
- علیلوی نیری، پوریا. (۱۳۹۷). *مسئولیت بانک مرکزی در برابر سپرده‌گذاران مؤسسات مالی و اعتباری*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- فری، مایکل؛ فیوزی، فرانک؛ مودیلیانی، فرانکو. (۱۳۸۸). *مبانی بازارها و نهادهای مالی*. چاپ دوم، تهران: آگاه.
- قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره). (۱۳۶۲). مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی، مصوب ۱۳۶۲/۰۶/۰۸.
- گیوریان، حسن؛ ربیعی مندجین، محمدرضا. (۱۳۹۴). *فرایند خط‌مشی‌گذاری دولتی پیشرفته*. تهران: مهربان نشر.
- محرابی، لیلیا. (۱۳۹۳). مدیریت ریسک در نظام بانکداری بدون ربا (با تأکید بر ریسک اعتباری). *نشریه تازه‌های اقتصادی*، ۸(۱۳۰)، ۷۷-۷۰.
- میرمعزی، سید حسین. (۱۳۸۴). *الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی*. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۴(۱۷).
- نادعلی، محمد. (۱۳۹۲). *محاسبه شاخص تنش در بازار پول اقتصاد ایران*. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۱(۶۶)، ۱۱۵-۱۴۲.
- Agha, S. E. U., & Sabirzyanov, R. (2015). Risk management in Islamic Finance: An analysis from objectives of shari'ah perspective. *International Journal of Business, Economics and Law*, 7(3), 46-52.
- Ansell, C., Boin, A., & Kuipers, S. (2016). Institutional crisis and the policy agenda.